

عدالت و ذکر، معرفی معنویت امام علی (ع) کتابی بموقع

هادی شریفی^۱

Justice and Remembrance / Introducing the Spirituality of Imam 'Ali
Reza Shah-Kazemi / Published by I. B. Tauris / London / New York 2006 / pp.254

بر عمق و سعه معنوی امام (ع) سایه می‌اندازد و مانع می‌شود که شخصیت عظیم معنوی امام آنچنانکه هست مورد توجه قرار گیرد و به بیان آورده شود. در این اثر مؤلف شخصیت امام را در اوج اعتلای خود و بسی فراتر از مجادلات لفظی شیعه و سنی به قلم کشیده است. و این یکی از نکات برجسته و مهم کتاب است.

ثانیاً در حوزه حکمت خالده و ماوراء الطبیعه به معنی دقیق کلمه، عقل به عنوان موهبتی الهی و پرتوی از عقل کل جایگاهی اساسی دارد، چه عقل را این توان است که مستقیماً و بلافاصله مطلق را دریابد. پس از حرکت رنسانس در اروپا، از جمله مباحثی که تفکرات غرب را در طی حدود سه قرن اخیر به خود مشغول کرده است، مساله «عقل» و «استدلال» بوده است. در این تفکرات جدید مغرب زمین فاصله بین «عقل» و «استدلال» از میان رفته است و کلمه ratio که معادل دقیق آن «استدلال» است طوری به کار برده می‌شود که مفهوم intellectus که معادل دقیق آن «عقل» است را می‌پوشاند. این تفکرات در عالم اسلام هم نفوذ کرده و اکثر قریب به اتفاق متفکرین مسلمان وقتی از عقلانیت و عقل‌گرایی صحبت می‌کنند مقصودشان rationalism است؛ معدودند افرادی که به تمیز اساسی میان «عقل» (intellectus) و «استدلال» (ratio یا reason) توجه دارند. تعداد انگشت شماری از متفکرین متأخر حکمت خالده بخش عمده‌ای از آثار خود را به این خلط مبحث اختصاص داده‌اند. و سعی دارند تا خواننده معاصر را متوجه کنند که ادراک عقلی غیر از فهم استدلالی است.

امام علی (ع) دقیقاً به مساله عقل توجه داشته و کراراً در نهج البلاغه به بحث «عقل» پرداخته‌اند: «عقل» از دیدگاه ایشان نوری الهی برای درک مستقیم حقیقت است؛ به فرموده مولانا جلال الدین بلخی:

«حکمت خالده» بی‌زمان است و یا بهتر است گفته شود ازلی و الزاماً ابدی است چون موضوع آن حقیقت مطلق است که همیشه هست و زمان و مکان در ساحت قدس متعالش جایی ندارند. زبان و بیان حکمت خالده «کلی» (universal) است و به همین علت به سنت و دین و زمان و مکان و گروه معینی از انسانها محدود نمی‌شود. نظرگاه سخن گوینان حکمت خالده از محدوده زمان و مکان و نیز اعتقادات پیروان دینی معین و مشخص فراتر می‌رود و از حقایقی سخن می‌گوید که کلی و همیشگی است و در عین اینکه به گروه معینی از مردمان معتقد و به برهه مشخصی از زمان محدود نمی‌شود، به انسان فی‌نفسه و در نتیجه به همه انسانها و همه مکانها و همه زمانها تعلق دارند.

امام علی (ع) یکی از این شخصیت‌های معنوی برگزیده است که حقیقت را در ساحت حقیقت یعنی آنچنانکه هست مورد نظر قرار می‌دهد و این دقیقاً نظرگاه حکمت خالده است. از اینجاست که نمی‌توان نظرگاه امام علی (ع) را فقط در محدوده اعتقادات شیعی به معنی اخص یا اعتقادات اسلام به معنی اعم محصور کرد. چه حقایق مربوط به ساحت متعال حضرت حق که از زبان این شخصیت بزرگ معنوی جاری می‌شود، همه حقایق کلی و ماوراء طبعی و متعلق به همه انسانهایی است که از موهبت عقل به معنای دقیق کلمه برخوردارند. مؤلف کتاب «عدالت و ذکر: معرفی معنویان امام علی» از دیدگاه حکمت خالده و علم ماوراء الطبیعه به موضوع این کتاب می‌پردازد. این دیدگاه به کتاب ویژگی‌های خاصی می‌بخشد که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

اولاً نظرگاه برگزیده مؤلف یعنی حکمت خالده، اجازه نمی‌دهد که در بیان معنویت امام علی (ع) وارد گفتگوها و مجادلات لفظی و کلامی شیعه و سنی در مورد خلافت و جانشینی پیامبر اکرم (ص) شد. گفتگوهایی که از لحاظی

۱. مدیر کل اسبق موسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن.

عقل و دلها بی گمانی عرشی اند
در حجاب از نور عرشی می زیند

(مثنوی، دفتر پنجم، ۶۱۹)

مؤلف کتاب عدالت و ذکر دقیقاً به این نکته پرداخته و کوشیده است تا خواننده امروزی را متوجه این نکته سازد که جایگاه «عقل» بسی برتر از «استدلال» است و «استدلال» بدون بهره‌گیری از عقل راهی به حقیقت ندارد (ص ۱۴ و نیز صص ۲۹، ۲۶). به جای قوه «استدلال» در معارف اسلامی و به خصوص در مثنوی از عقل جزوی صحبت می‌شود که بدون یاری وحی و عقل کلی به بیراهه می‌رود؛ به فرموده مولانا جلال الدین بلخی:

عقل جزوی عقل استخراج نیست
جز پذیرای فن و محتاج نیست
قابل تعلیم و فهم است این خرد
لیک صاحب وحی تعلیمش دهد

(مثنوی، دفتر چهارم، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶)

ثالثاً ارتباط عقل و وحی نیز جایی خاص در این کتاب به خود اختصاص می‌دهد به این علت که این مبحث دقیق نیز مورد توجه امام علی (ع) بوده است که ادراک عقلی وحی را تصدیق می‌کند و وحی تایید کننده عقل است. اینکه در اسلام گفته شده است آنچه دین بدان حکم می‌کند عقل نیز بدان حکم می‌کند و بالعکس. مقصود همین عقل کلی و برتر است که اهل حقیقت و مردان خدا نصیبی وافر از آن دارند:

عقل ابدالان چو پر جبرئیل
می پرد تا ظل سدره میل میل

(مثنوی، دفتر ششم، ۴۱۳۹)

عقل به معنی دقیق کلمه مؤید وحی و همه حقایقی است که وحی بدانها اشاره می‌کند یعنی عوالم ملکوتی و قدسی برتر که عالم فرشتگان و بهشت و بالاخره ساحت الوهیت و مرتبه ذات را شامل می‌شود. بسیاری از فلاسفه و متفکران متجدد که عقل را فقط به معنی استدلالی آن به کار می‌برند، یا حقایق عوالم برتر را نفی می‌کنند یا بدانها اعتقادی ندارند و نیز متفکران متأخر مسلمان که از لحاظی به شدت متأثر از عقاید فلاسفه و متفکران استدلال‌گرای مغرب زمین هستند، در عین حال احساساتی مذهبی هم دارند و ضمناً حافظ و مثنوی را هم

دوست دارند، عمدتاً گرفتار معضل اختلاط و التقاط می‌شوند. اینان در تلاشند تا میان نظرگاههای سنتی که بر عقل و وحی استوارند و ریشه در سنت دارند و به همین علت در ساحتی متعالی از فکر و حواس و توان استدلالی بشری قرار دارند، با نظرگاهها فکری و فلسفی متجدد که در ساحتی افقی و دنیوی حرکت می‌کنند، نوعی آشتی غیر ممکن برقرار کنند. حاصل این تلاشها تقلیل وحی و دین به نوعی ایدئولوژی کاربردی سیاسی و اجتماعی است و یابی ایمانی استدلالی و آشفته‌گی و سردرگمی که صحنه تفکر جوامع ملسمان را تیره و تار کرده است. علت اصلی همه این معضلات فقدان تمییز بین حق و باطل یا بین مطلق و مقید است و اینکه این دو مقوله در جای خود قرار ندارند؛ در این گیرودار نافرجام تمییز بین «عقل» و «استدلال» و مراتب متفاوت عملکرد این دو و بالاخره بررسی رابطه عقل و وحی نقشی اساسی دارد. این مباحث مهم که کلید فهم حقایق دینی، معنوی و ماوراءالطبیعی است به شدت مورد توجه مولف است که با تکیه بر سخنان حضرت علی (ع) بحثی مستوفی در این زمینه به خواننده عرضه می‌کند (مثلاً صص ۲۹، ۲۶ و جاهای مختلف).

رابعاً علاوه بر آنچه گفته شد یکی دیگر از ویژگیهای کتاب این است که مؤلف با آشنایی به نحوه نگرش و افکار نسل جوان و میانسال مسلمان که در مغرب زمین زندگی می‌کنند و اینان در وهله اول مخاطبان اصلی این اثر هستند به بحث در مورد مسائل معنوی، دینی، اخلاقی و سیاسی اجتماعی از نظرگاه امام علی می‌پردازد. ممکن است این سوال مطرح شود که چرا از نکته اخیر به عنوان یک «ویژگی» کتاب یاد می‌شود در حالیکه تنها در چند دهه اخیر صدها کتاب و مقاله توسط نویسندگان و متفکران مسلمان و غیر مسلمان نوشته شده که هر یک به نوعی به مباحث نهج البلاغه پرداخته‌اند. در پاسخ به این ایراد باید نکته زیر را مد نظر قرار دهیم: از لحاظی می‌توان نویسندگان و متفکران مسلمانی که به این مسائل توجه کرده‌اند را به سه گروه تقسیم کرد: اول متفکران و نویسندگان مسلمانی که در غرب تحصیل کرده‌اند یا با نحله‌های فکری و فلسفی مغرب زمین بعد از رنسانس آشنا هستند و دریست این افکار را پذیرفته و تنها راه جبران عقل ماندگی جوامع مسلمان را قبول بی‌گفت و گوی نحوه نگرش و افکار مغرب زمین نسبت به مسائل دینی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی - سیاسی می‌دانند. چنین متفکرانی بر آنند که پذیرش کامل تفکر و نگرش



حاکم بر جهان غرب منافاتی با مسلمان بودن ندارد منوط به اینکه برخی باورها و خرافه‌های دینی که با طرز تفکر متجدد سازگار نیست، کنار گذاشته شود. احیاناً اعتقاد به حشر و نشر و بهشت و جهنم و عوالم قدسی نیز ممکن است با اندکی «تساهل» در زمره همین خرافه‌ها و باورها قرار گیرد. دوم متفکران و نویسندگان مسلمانی که معتقد به لزوم ایجاد نوعی التقاط میان نگرش دینی و تفکرات دنیای جدید هستند. این گروه نیز معمولاً از نقطه نظر تفکرات غرب متجدد به دین می‌نگرند و گمان دارند که می‌توان میان این دو دیدگاه آشتی برقرار کرد و برخی نیز اساساً معتقدند که اختلافی میان این دو نیست و نظرگاه توحیدی اسلام جایی برای دوگانگی دین و دنیا باقی نمی‌گذارد. این متفکرین عمدتاً دین را در سطح کاربرد اجتماعی و سیاسی آن مورد اعتنا قرار می‌دهند. ناگفته نماند که این تقسیم بندی کلی است چه آدمی در بین هواداران دو دیدگاه مذکور به متفکرانی بر می‌خورد که هم مثلاً به مولانا و حافظ و ابن عربی اعتقاد دارند و به شدت از آنها متأثرند و هم احیاناً به هگل و کانت و سارتر و هایدگر و دیگران تعلق خاطر دارند. سوم، گروه معدودی از متفکران و نویسندگان مسلمانند که دقیقاً و عمیقاً می‌دانند که رنسانس و حرکت‌های بعد از آن در جهتی صرفاً افقی و دنیوی پیش رفته‌اند و بعد متعالی و عقلی وجود انسان که خداجو و متوجه حقیقت مطلق است را نادیده انگاشته‌اند این عده از اندیشمندان آگاهند که حاصل تفکرات دنیای متجدد که پیشرفت و صنعت و علوم مادی و فیزیکی و ماشین و کامپیوتر است در حال تبیین و تعیین کننده ماهیت و ذات انسان و غایت و سرنوشت اویند. به بیان دیگر مخلوقات و مصنوعات دست انسان ذات او را تبیین و تعیین می‌کنند.

اندیشمندان مذکور سنت و دین را ناشی و مبتنی بر وحی می‌دانند و به هیچ وجه در پی آن نیستند تا به علت اغراض فکری و فلسفی و سیاسی، اجتماعی، دین و سنت را به مرتبه آنچه مخلوق فکر آدمی است تقلیل دهند. حاصل کلام اینکه این متفکرین، سنت را حضور عالم برتر در جهان خاکی می‌دانند و علت انزال وحی را در آن می‌دانند که آگاهی و شعور به منشا و اصل الهی انسان تقویت شود تا آدمی حیات دنیوی خود را طوری باوحی و سنت ارتباط دهد که از لحاظ عامه مردم راه فلاح بر آنها گشوده گردد و از لحاظ خواص و برگزیدگان تحقق حقایق معنوی و علوی برای آنان در همین جهان زیرین میسر گردد.

گروه اخیر از متفکرین برای آنکه بتوانند ادراک خود از دین و سنت را برای نسل معاصر پرسشگر به نحوی مؤثر بیان کنند ناچار هستند تا با نخله‌های فکری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی متجددین آشنا شوند. در واقع آنها باید به طریقی واقع‌گرایانه و عینی بدانند که مکاتب استدلال گرا، نسبیت گرا، تقلیل گرا و نیز مکاتب روانشناختی و جامعه‌شناختی که فی‌المثل یکی حقایق معنوی را به سطح تائثرات روانی (psychic) و دیگری همان حقایق را به سطح ضرورت‌های گذران اجتماعی تقلیل می‌دهند، آشنایی کافی داشته باشند. نویسنده کتاب مورد بحث به خوبی از جریان‌های فکری و فلسفی معارض دین و عقل در جهان معاصر آگاه است و تا آنجا که موضوع کتاب اجازه داده متعرض آنها شده تا بتواند حقایق معنوی و ما بعدالطبیعی مندرج در نهج البلاغه، اثر عظیم امام علی (ع)، را به نحوی مؤثر برای نسل پرسشگر معاصر بازگو کند. این ویژگی کتاب درخور تأمل بسیار است.

کتاب شامل پیش‌گفتار و سه فصل است: در پیش‌گفتار مؤلف موضوع اصالت نهج البلاغه و انتساب آن به امام علی (ع) را مطرح می‌کند و سعی دارد تا به سوالات و تردیدهای پژوهشگران غربی در این زمینه پاسخ گوید.

در فصل اول «معرفی امام علی و اصول معنوی او»، پس از ارائه شرح حالی مختصر و اشاره به نحوه پرورش امام در دامان پیامبر اسلام (ص)، به فضائل و مناقب امام بر اساس منابع متقدم شیعه و سنی پرداخته شده و به موضوع عقل از نظرگاه امام و رابطه آن با وحی اشاره رفته که بیشتر مبتنی بر گفتگوی امام با کمیل بن زیاد است.

در فصل دوم، «مفهوم قدسی عدالت بر مبنای نامه امام علی به مالک اشتر»، موضوع عدالت در ساحتی قدسی و ماوراءالطبیعی از دیدگاه امام علی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بیان شده است. این بخش به خصوص از لحاظ بیان حکومت و دولت و سیاست از نظرگاه اسلامی، که به بهترین وجه در نهج البلاغه تبیین و توجیه شده است، در خور تأمل بسیار است و نشان‌دهنده این واقعیت است که جوامع مسلمان چسان از نمونه‌ای متعالی از عدالت و حکومت فاصله گرفته‌اند. سرانجام در فصل سوم، «تحقق معنوی از طریق ذکر: امام علی و سنت عرفانی اسلام»، به نقش ذکر و آگاهی در تحقق معنوی و ادراک عوالم قدسی به تفصیل اشاره رفته است.

کتاب دو ضمیمه دارد: یکی ترجمه انگلیسی خطبه اول نهج البلاغه و دیگری ترجمه نامه امام به مالک اشتر.

در پایان همه منابع مورد استفاده مؤلف ذکر شده و نیز نمایه‌ای عمومی برای کتاب تهیه شده است. سرانجام فهرست آیات قرآنی زینت بخش کتاب شده است. در سرتاسر کتاب از منابع اصلی متقدم استفاده شده و همه نقل قولها مستند و با ذکر دقیق منابع است. پانویسهای متعدد مؤلف نیز که روشنگر مطالب مذکور در کتاب است به ارزش علمی و اهمیت کتاب می‌افزاید.

موضوع توحید بدانصورت که در نهج البلاغه آمده مبحثی ماوراءالطبیعی است که حقیقت مطلق از لحاظ ذات یعنی متعالی از هرگونه تعین و نیز ذات خدا از لحاظ تعین اسمائی و صفای را مورد امعان نظر قرار می‌دهد. ناگفته نماند که این مبحث همواره مورد توجه عالمان ماوراءالطبیعه و فلاسفه راستین و عرفا و متصوفین بوده و هست و نمی‌توان آن را تنها به تصوف و عرفان اسلامی منحصر دانست. نویسنده کتاب برای بیان موضوع توحید بدانسان که در نهج البلاغه عنوان شده، نخست این کلمات حضرت علی (ع) را که «کمال اخلاص مبراً کردن او (حق) از صفات است...» (ص ۸۳ کتاب) نقل می‌کند و سپس برای بیان مقصود اصلی امام از این سخنان، از اقوال عرفا و متصوفین در بیان ذات خداوند و فنای عارف در علم حق استمداد می‌کند تا نکته دقیقی که امام از نفی صفات به عنوان وجود و مرتبه‌ای جدا از ذات متعالی خداوند بیان می‌کند بر خواننده روشن شود (صص ۱۸۹ - ۱۸۲). حضرت علی (ع) برای بیان حقیقت توحید و اخلاص، صفات باریتعالی را به عنوان صفاتی جدا و مستقل و مضاف بر ذات نفی می‌کند و این نفی صفات باریتعالی در وحدت آنها با ذات نیست بلکه تاکید بر این نکته دقیق مابعدالطبیعی است که ذات غیر قابل شناخت حق ماوراء هر نوع تعین است و این عین توحید ذات است. از لحاظ

معرفت و شناخت حق تا زمانی که عارف بر اساس علم خود به خدا مطلبی بیان می‌کند هنوز به مرتبه بالای معرفت نرسیده است تنها زمانی که او در فنای محض با علم خدا به خود (خدا) یکی می‌شود به معرفت حقیقی واصل می‌شود (ص ۱۸۶).

آنچه نویسنده کتاب می‌خواهد با دقت و موشکافی فراوان به بیان آورد - و باید اقرار کرد توفیق الهی در این رهگذر یار وی بوده است - این است که امام همام در گفتار و عمل و اخلاق و عرفان اسوه اخلاص و علم توحیدی است، نکته لطیفی که مولانا جلال الدین چنین بیان می‌کند:

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای
شمه‌ای واگواز آنچه دیده‌ای
تیغ حلمت جان ما را چاک کرد
آب علمت خاک ما را پاک کرد
...
باز گوی باز عرش خوش شکار
تا چه دیدی این زمان از کردگار؟
چشم تو ادراک غیب آموخته
چشمهای حاضران بر دوخته
...
چون تو بایی آن مدینه علم را
چون شعاعی آفتاب حلم را
باز باش ای باب بر جویای باب
تا رسند از تو قشور اندر لباب
باز باش ای باب رحمت تا ابد
بارگاه ما له کفو احد

(مثنوی، دفتر اول، ۳۷۴۵، ۳۷۴۵)

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در نظر دارد کتاب مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار را با همکاری مؤسسه اسماعیلیه منتشر نماید. مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار (عربی) / امام محمدبن عبدالکریم شهرستانی؛ تصحیح محمدعلی آذرشب. امام محمدبن عبدالکریم شهرستانی (درگذشته به سال ۵۴۸ هـ) یکی از دانشمندان بزرگ سده ششم است. او در خراسان زاده شد و در مدارس نظامیه و مراکز علمی روزگار خویش به عنوان دانشمندی آگاه به مذاهب و اندیشه‌های گوناگون و نیز منتقدی توانا در عرصه دیدگاههای اعتقادی شناخته می‌شد و در عین حال مفسری آشنا با رمز و راز آیات الهی به شمار می‌رفت. از جمله آثار او می‌توان به الملل و النحل، و نهایة الأقدام فی علم الکلام، و المصارعة و مفاتیح الاسرار اشاره کرد. تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار با مقدمه‌ای ارزشمند در علوم قرآنی که شامل دوازده فصل با عنوان «مفاتیح الفرقان فی علم القرآن» می‌باشد، به رشته تحریر درآمده است و شامل تفسیر سوره حمد و بقره می‌باشد. شهرستانی در این تفسیر دیدگاهها و اندیشه‌های قابل ملاحظه‌ای را پیرامون آیات الهی بیان کرده است.

